

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۴۵ \_ بخش اول: «و استعینوا بالصبر و الصلاة» \_  
مطلب نهم: اثر وضعی صبر \_ مطلب دهم: اهمیت صبر  
تاریخ: ۶ بهمن ۱۴۰۰  
مصادف با: ۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۳  
جلسه: ۴۱  
و وجه تقدیم آن بر نماز

### ﴿ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللّٰعْنَ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ ﴾

#### مطلب نهم: اثر وضعی صبر

از مطالب مربوط به بخش اول آیه ۴۵ یک مطلب باقی مانده که باید آن را متعرض شویم و بعد انشاءالله از این بحث عبور کنیم. مطلب نهم این است که:

خداوند تبارک و تعالی امر به استعانت به صبر و نماز کردند. در اینکه صبر مساعد انسان است در جبران ضعف ها و کمبود ها و مقابله با دشواری ها و موانع است، بحثی نیست. اگر ما از این فضیلت برخوردار باشیم که در برابر امور ناخوشایند اهل تحمل باشیم، خیلی به ما کمک می کند. امور ناخوشایند اعم از این است که انسان میل به یک معصیت داشته باشد و بخواهد خویشتن داری کند یا میل به ترک یک تکلیف داشته باشد و بخواهد در برابر آن ایستادگی کند، و یا یک مصیبتی برای انسان پیش بیاید و بخواهد آن را تحمل کند. معلوم است که صبر در یاری و کمک انسان در برابر ناملایمات بسیار اثر گذار و راهگشا است.

نکته ای که اینجا می خواهیم به آن اشاره کنم و فراتر از تاثیر متعارف صبر است و برای همه هم قابل فهم می باشد، این است که صبر مانند برخی از اموری که در این عالم آثار وضعی دارند، خداوند متعال در آن یک اثر وضعی قرار داده است. از جنس اثر وضعی که برای صلح رحم مثلا قرار داده. در آموزه های دینی وارد شده که برخی از کارها ممکن است در سلسله امور علی مادی قرار نگیرند، یعنی در علیت های مادی هیچ نقشی برای آنها قائل نباشیم. مثلا برای طول عمر یک سری علت های مادی تعریف شده، اینکه مثلا مراقبت داشته باشد، یک کارهایی را انجام دهد و کارهایی را هم انجام ندهند، بیماری برای انسان پیش نیاید، مانعی در برابر انسان نباشد، کسی سوء قصد نکند و... همگی علل مادی طول عمر اند. اما در عین حال خداوند تبارک و تعالی برخی از امور معنوی را هم در طول عمر دخیل کرده است. یعنی یک سری از امور معنوی در سلسله علل طول عمر گنجانده شده اند. اثر وضعی یعنی این. مثلا صلح رحم، دعا، صدقه، مراقبت نسبت به پدر و مادر و... امور معنوی هستند که مثلا در ازدیاد رزق و روزی، در طول عمر و... دخالت دارند. این علت ها فقط مادی نیستند. یعنی این کار را هر کسی که بکند، حتی اگر غیر مؤمن باشد، اثر وضعی مترتب

می‌شود. حتی اگر یک آدم فاسق صله رحم کند، این اثر وضعی را دارد، مگر اینکه به خاطر فسق و یا اثرات وضعی دیگر در مقابل این قرار بگیرد و این را خنثی کند.

یکی دیگر از چیزهایی که خداوند تبارک و تعالی برای آن اثر وضعی قرار داده صبر است. این مطلبی است که احتیاج به بیان مفصل تری دارد، اما ما در حد اجمال و اشاره از آن عبور می‌کنیم.

در روایتی از رسول گرامی اسلام وارد شده است که میفرماید: إِذَا رَأَيْتُمُ الْأَمْرَ لَا تَسْتَطِيعُونَ تَغْيِيرَهُ فَاصْبِرُوا حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَغْيِرُهُ. می‌گوید اگر نمی‌توانید چیزی را تغییر دهید، پس صبر کنید تا اینکه خداوند آن را تغییر دهد. ممکن است شما بگویید این اشاره به همان اثر کلی و عمومی صبر دارد، اما می‌خواهم بگویم این بالاتر از آن است، برای اینکه می‌گوید: فاصبروا حتی يكون الله. اینکه شاید خدا آن را تغییر دهد، کأن خداوند در صبر اثری قرار داده که این اثر وضعی محسوب می‌شود و آن هم وصول به اهداف است.

در تعبیر روایی از آثار صبر زیاد سخن گفته شده است. در ضرب المثل های فارسی زیاد این معنا و مضمون مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر صبری هم لزوماً منتج به نتیجه نمی‌شود. صبر اگر به جا باشد، و با شرایطش باشد و ضمیمه شود به برخی از اموری که لازم است در کنار آن قرار گیرد، این حتماً دارای آن آثار خواهد شد. من از این استفاده اثر وضعی می‌کنم نه به عنوان اینکه حتماً صبر فایده دارد. اینکه فرضاً در روایات آمده: سلاح المؤمن الصبر و الدعاء، ابزار و سلاح مؤمن صبر و دعا است. اگر قرار است دعا اثر داشته باشد، صبر هم همینطور است. صبر وقتی در کنار دعا قرار می‌گیرد و دعا حتماً در امور تاثیر دارد و در سلسله امور معنوی است که می‌تواند در عالم ماده اثر بگذارد، صبر هم همینطور است. بی جهت نیست که از آن تعبیر به سلاح شده است. سلاح یعنی ابزاری که از انسان محافظت می‌کند و دشمن را از سر راه بر می‌دارد. لذا اگر بگوییم که صبر دارای چنین ویژگی و خصوصیتی و دارای آثار وضعی است، به نظر من ادعای گزافی نیست.

بالاخره همانطور که عجله کار شیطان محسوب شده و نقطه مقابل صبر است، صبر حتماً یکی از جنود عقل است و تاثیراتی که می‌تواند در امور این عالم بگذارد، تاثیر در قضا و قدر انسان، خیلی مهم است و چه بسا در اثر بی صبری و یا کم صبری انسان منافع بیشماری را از دست بدهد، مصالح فراوانی را از دست بدهد.

### **مطلب دهم: اهمیت صبر و وجه تقدیم آن بر نماز**

روایات زیادی در باب صبر داریم که اهمیت صبر را می‌رساند. در قرآن زیاد این واژه مورد استفاده قرار گرفته، یکی از آیاتی که دلالت بر اهمیت صبر می‌کند، آیه سوم سوره عصر است: «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»، یعنی همگان یکدیگر را به صبر سفارش کنند، در مورد کمتر چیزی این بیان شده است. مثلاً ما توأسی به جهاد نداریم، توأسی به

۱. نهج الفصاحة، ج ۱، ص ۴۰.

نماز هم نداریم. بله، نماز اهمیت دارد، اما همینکه در مورد نماز امر به توأسی نشده اما در مورد صبر شده، خودش شاهد دیگری است بر اینکه چرا در این آیه صبر بر صلاة مقدم شده است. این اهمیت هم در قرآن و هم در روایات به خوبی قابل استفاده است و این وجه تقدیم را به وضوح بیان می‌کند. اینکه همگان همدیگر را به صبر و شکیبایی فرا بخوانند، خودش می‌تواند بر این مطلب دلالت کند.

روایات هم در باب صبر زیاد است که اگر بخواهیم این روایات را نقل کنیم خیلی وقت گیر است. اما به مضمون برخی از این روایات اشاره کردیم، مثل اینکه صبر در برخی روایات به صوم منطبق شده، یا مثلاً بعضی روایات صبر را بر امرالمؤمنین و وجود مقدس پیامبر اکرم ارجاع داده یا این را به صبر در صلاة تفسیر کرده اند، همگی در واقع تطبیق این آیه است و در واقع تفسیر نیست. اگر در جایی صوم به عنوان معنای صبر ذکر شده و در جایی دیگر وجود مقدس پیامبر و امیرالمؤمنین، همگی تطبیق اند و منافاتی ندارد با معنایی که ما برای تفسیر کردیم. این‌ها شاید چه بسا بارزترین مصادیق و عالی‌ترین جلوه‌های صبر باشند.

مردی آمد خدمت رسول خدا و از ایشان سوالی کرد؛ و قال: یا رسول الله انی أردتُ أن أتى هذا الجبل فأخلو فيه و أتعبد، فقال رسول الله لَصَبْرٌ أَحَدَكُم سَاعَةٌ عَلٰی مَا یُکْرَهُ فِی بَعْضِ مَوَاطِنِ الْاِسْلَامِ خَیْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ خَالِیاً اَرْبَعِیْنَ سَنَةً. یعنی من می‌خواهم بروم به روی این کوه و در تنهایی مشغول عبادت بشوم. رسول خدا فرمود اینکه شما در یکی از مواطن اسلام صبر کنید در حالی که آن برای شما ناخوشایند است، بهتر است از عبادت چهل ساله ای که خالی از این امر باشد. کسی که چهل سال عبادت می‌کند. درست است که سخت است، اما خوشایند است برایش چون مطابق طبعش دارد عمل می‌کند ما هم ممکن است مطابق طبع خود زندگی کنیم و به نظر خودمان هم این بیاید که خیلی داریم مجاهدت می‌کنیم. اما علت اینکه ارزش کار را بالا می‌برد، بالاخره چیزی برخلاف خواسته انسان پیش می‌آید، انسان به خاطر آن هدف مقدس تحمل می‌کند؛ ارزش یک ساعت صبر در چیزهایی که انسان خیلی خوش ندارد از چهل سال عبادت در تنهایی بالاتر است.

فکر نمی‌کنم بشود بهتر از این اهمیت صبر در بعضی از امور را رساند.

به هر حال این اهمیت و تأثیری که صبر داشته، باعث شده بر نماز تقدم پیدا کند.

چند روایت دیگر در باب نماز باقی مانده و بعد از آن انشاءالله بحث بعدی را بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

<sup>۱</sup>. در المنثور، ص ۱۶۱.